

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵: ۸۷-۱۰۹

بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان،

سپیده کاشانی و سعید بیابانکی

سیدمسعود دفتریان^۱، محسن محمدی فشارکی^۲

۱. دانشیار، ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد

(دریافت: ۹۷/۰۹/۰۳، پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۹)

چکیده

نقد و بررسی خصائص شعر فارسی بر حسب زمان، مکان، نوع ادبی و ... از دیر زمان و با تولد هر اثر ادبی مدنظر شعرا، نویسندگان و محققان بوده و خواهد بود. تأمل در نقد اصالت سبک آثار ادبی نشان می‌دهد که هر دوره از ادوار شعر فارسی دارای ویژگیهای عام و ویژگیهای خاصی بوده است. هرچند که توجه به ویژگیهای خاص آثار ادبی کمتر در کتاب‌های سبک‌شناسی مدنظر قرار گرفته است. یقیناً ادبیات دفاع مقدس بویژه غزل آن از هر حیث ویژگیهایی دارد که این دوره را از ادوار دیگر شعر و نثر متمایز کند. جایگاه شعر دفاع مقدس در عرصه ادبیات معاصر ایران بسیار ویژه است و می‌تواند تا در زمینه‌ها و رویکردهای مختلف آن تفسیر و تحلیل صورت پذیرد. در این پژوهش تحلیل اصالت در سبک غزل با رویکرد نقد فنی و زبانی غزلیات دفاع مقدس دو شاعر منتخب استان اصفهان - سپیده کاشانی و سعید بیابانکی مطرح می‌شود. در به گزینی غزلهای شاعران این مسئله حائز اهمیت است که بسیاری از شاعران دفاع مقدس گرچه در چند نوع ادبی شعر سروده‌اند، غزلهای مطرحی را نیز از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ گرچه ممکن است بعضی از این شاعران اصالت کاریشان صرفاً نوع ادبی غزل نباشد. غزلیات دفاع مقدس اصفهان ساده و غیرمتکلفانه سروده شده است و از تجربیات گذشته بهره گرفته و در آثار خود به پختگی و کمال رسیده است. ویژگیهای سبک خراسانی و عراقی در این آثار بخوبی قابل مشاهده است. غالب اشعار حول دو موضوع مذهب و جنگ می‌گردد و شاعران توانسته‌اند با ترکیب دو لحن حماسی و غنایی، اشعاری پخته و قدرتمند به دست دهند و توان و ویژگیهای جدیدی از غزلسرایی را عرضه کنند.

کلید واژه‌ها: شعر سپیده کاشانی، شعر سعید بیابانکی، شعر پایداری امروز ایران، شعر امروز

دفاع مقدس.

مقدمه

آنچه برای نسل باقیمانده از دفاع مقدس و مدافع ارزشهای انقلاب اسلامی در طی جنگ تحمیلی و برای نسل بعد از جنگ و نسل حاضر دارای اهمیت بسیار است، شناخت دقیق ابعاد دفاع مقدس و ارزشهای آن و همچنین استمرار و حفظ این دستاوردها و ارزشهاست که باید بخوبی تبیین و بازتعریف شود.

«نخستین نمونه‌ها و سروده‌های دفاع مقدس در کمتر از یک هفته پس از آغاز حمله عراق چهره می‌نماید. طبیعی است چنین سروده‌هایی نمی‌تواند پختگی و انسجام کافی داشته باشد؛ اما شور، برانگیزندگی، رجزگویی و احساس شفاف و زلال سرایندگان در تار و پود سروده‌ها ملموس و مشهود است» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۶).

شعر دفاع مقدس یکی از بخشهای ادبیات مقاومت معاصر و شاید مهمترین بخش آن است که توانسته است توجه شاعران متعدد کشورمان را به خود جلب کند. شعر این دوره آمیزه‌ای از ادبیات حماسی و غنایی است که به دلیل اختصاص آن به مباحث ملی و پیوندش با حادثه کربلا، ویژگیهای خاص خود را دارد. اشعار این دوره در بیشتر قالب‌های شعر فارسی سروده شده است که از این میان غزل، حضور پررنگتری دارد.

شعر دفاع مقدس از بخشهای موفق و درخشان ادبیات پایداری ایران، و مهمترین شاخه این بخش، «غزل دفاع مقدس» است. غزل دفاع مقدس از آغاز دهه هفتاد تا هم‌اکنون بستر شکوفایی ادبی و هنری شاعران این مرز و بوم بوده است و همین نکته، ضرورت و اهمیت پژوهش در این حوزه را نمایان می‌سازد. غزل دفاع مقدس از نظر «ساختار و محتوا» از اهمیت بسیاری برخوردار است. در بخش محتوا به دگرگونیهای محتوایی و تحول مفاهیم در غزل دفاع مقدس اشاره می‌شود و در بخش ساختار، مواردی مانند شکل، ردیف، قافیه، وزن، زبان و بیان، فضا و تصویر، روایت و ... شایسته تأمل است.

از دید دیگر می‌توان گفت «غزل» یکی از قالبهای شعری است که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفت. زمینه‌های تحول معنایی غزل فارسی از دوره مشروطیت آغاز شده بود؛ چنانکه بسیاری از شاعران عصر مشروطه می‌کوشیدند تا برخی مفاهیم جدید و نیز درونمایه‌های اجتماعی و انتقادی خود را از رهگذر قالب شعری غزل بیان کنند. در دهه‌های چهل و پنجاه نیز غزلهایی سروده شد که عموماً با رویکردی اجتماعی، انتقادی، که حامل مفاهیم مضامینی بود به انتقاد از حکومت یا ترویج فضای حماسی مبارزه و انقلابیگری می‌پرداخت.

پس از انقلاب اسلامی نیز غزل به صورتی فراگیر مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ چنانکه در آن با تنوع قابل توجه درونمایه و محتوا روبه‌رو هستیم. مفاهیمی چون مبارزه، استبدادستیزی، شهادت‌طلبی، آزادیخواهی، بیگانہ‌ستیزی، دشمن‌ستیزی در غزل انقلاب اسلامی به فراوانی دیده

می‌شود.

پیش از انقلاب اسلامی، زمینه‌هایی مناسب فراهم آمده بود تا قالب غزل در کار قالبهای شعر نو، روایتگر اندیشه‌های مبارزاتی مردم با حکومت وقت باشد. در پس از انقلاب اسلامی نیز هم‌چنان غزل، حاصل درونمایه‌های ضداستعماری و ظلم‌ستیزانه بود با این تفاوت که زبان غزل تحت تأثیر فضای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به سمت و سوی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی حرکت می‌کرد. بار دیگر شخصیت‌های مبارز تاریخ و فرهنگ تشییع مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ هرچند هنوز برخی نیز از عناصر فرهنگ و تاریخ ایران استفاده می‌کردند که القاکننده حالات مبارزه و ستیزندگی بود.

درونمایه‌های متناسب با رویکرد مبارزاتی شاعران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به صورت اختصار در این موارد خلاصه کرد:

الف: آزادی و آزادیخواهی

عروسی کرد اگر با خون یاران دخت آزادی مگو هرگز بر این وصلت مبارک باد شاعرجان
(صادقی، ۱۳۵۸: ۶)

ب: دعوت به مبارزه و انقلاب و رها شدن از روحیه انفعالی

برو ای از درون خویشتن آزاد شاعر جان که تا گردد دلت چون خانهات آباد، شاعر جان
به جای اصفهان شوری دگر برپا کن از عشاق همایون را بگیر از گوشه بی‌داد شاعر جان
نمی‌بینی مگر گاه مخالف‌خوانی است، اینک به گامی دیگر از یاران بیار آن، داد، شاعر جان
(صادقی، ۱۳۵۸: ۵)

لباس حادثه را بر تن زمانه کنید

که پهلوانک دوران از این میانه گریخت

(همان، ۱۲)

فضای حادثه خون ناب می‌طلبد

کجاست آن که در این راه سربهدار شود؟

(همان، ۸۸)

در امتداد فاجعه گفتند سازشی

گفتیم یک صدا که نه دیگر نمی‌کنیم.

(همان، ۱۰۲)

ج: شهادت‌طلبی

به شوق وعده ادعونی استجب لکم ای دل

بخوان برای اجابت بخوان دعای شهادت

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۷۶)

هم‌چنین ویژگیهای بارز غزلیات دفاع مقدس را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد:

۱. بهره‌گیری گسترده از قالبهای نیمایی

۲. انتخاب زبان‌روایی

۳. غلبه زبان رجز و شعار

۴. حضور روشن فرهنگ اسلام و انقلاب

۵. تلفیق رقیق نمادهای ملی با نمادهای دینی و مذهبی (سنگری، ۱۳۸۰: ۲۰).

در پی بررسی غزل‌های دو تن از شاخصترین شاعران دفاع مقدس اصفهان و با تحلیل سبک اشعاری که در این قالب سروده شده است، قسمت مهمی از آثار ادبی غزل دفاع مقدس اصفهان به دست خواهد آمد.

برای این کار، پس از گزینش از میان مجموعه غزلیات دو تن از شاعران بزرگ اصفهان، بخشی از غزلیات دفاع مقدس، ذیل موضوعات مشخص، تنظیم شده است. با شناسایی ویژگیهای سبکی هر غزل، نمونه‌هایی برای ویژگی با توضیحاتی مجمل ارائه شده است. جمع‌بندی این موارد سبک غزلیات دفاع مقدس را معین می‌سازد.

بیان مسأله

پدیده‌های اجتماعی در طول تاریخ بر ادبیات شفاهی و کتبی هر قومی تأثیر غیرقابل انکار گذاشته است. آثار ادبی سرشار از عواطف و احساسات شاعران و نویسندگان است. اشرافی‌گرایی، توجه به تاریخ و شکوه باستانی و پایبندی به باورهای اساطیری در ادبیات حماسی ایران ظهور پیدا کرده است؛ از سوی دیگر اگر ادبیات غنایی فارسی را در سه حوزه «عاطفی و تغزلی»، «عرفانی و فلسفی» و «اجتماعی و مقاومت» بررسی کنیم، می‌بینیم که اشعار عاشقانه‌ای که ورد زبان مردم ایران شده در ادبیات غنایی، گرایش به مذهب و تصوف و فلسفه در ادبیات عرفانی و فلسفی، و اهمیت دادن به مسائل و مشکلات عامه مردم در ادبیات معاصر جلوه‌گر شده و اینها همه تحت تأثیر وضعیت حاکم و پدیده‌های اجتماعی هر دوره است. این موارد هیچ یک در تقابل نیست؛ بلکه همه با تأثیر گرفتن از وضع حاکم و پدیده‌های اجتماعی به وجود آمده، و در کنار هم انواع ادب فارسی را تشکیل داده است.

ادبیات دفاع مقدس، هم در نظم و هم در نثر توانسته است آثار موقّق و باارزشی خلق کند. نمونه‌های آثار منظوم در حوزه دفاع مقدس در اغلب قالبهای شعری سروده شده که در این پژوهش به آثار منظوم در قالب غزل پرداخته شده است.

«شعر در دوران دفاع مقدس به دلیل خاصیت اصلی خویش یعنی تأثیرگذاری فراوان بر اذهان و قلوب در رساندن فریاد مظلومیت ملّتی که از سوی کفر جهانی مورد هجوم قرار گرفته بود، کاربرد حقیقی خود را به اثبات رساند. بسیاری از سروده‌های شاعران انقلاب، دستمایه‌ای برای اجرای سرودهای انقلابی و نیز نوحه‌ها و مرثی‌های اهل‌بیت، و آنچه در تحریک و تهییج رزمندگان اسلام برای ادامه حماسه آفرینی‌ها لازم بود، قرار گرفت و این نکته‌ها خود دال بر اهمیت بیش از اندازه شعر در

دوران جنگ تحمیلی است» (فراست، ۱۳۷۱: ۵۲).

در واقع شعر جنگ در بازتاب اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد و ایجاد روحیه مقاومت در جبهه و پشت جبهه و نیز در ابلاغ بر حق بودن مواضع حکومت اسلامی ما، نقش بسزایی داشت. در شعر انقلاب، قالب غزل، که به‌طور سنتی برای مفاهیم عاشقانه، عارفانه به کار می‌رفت برای مفاهیم اجتماعی، سیاسی به کار گرفته شد. عامل اساسی رواج غزل در آثار انقلاب و آمیختن عشق، عرفان با اجتماع، سیاست، علاقه آنان به رهبری انقلاب و مفاهیم، برخاسته از فرمان وی و وجود همین آمیختگی در خود رهبر بوده است که جلوه خاصی به این انقلاب می‌بخشد.

«نخستین جلوه‌های تأثیر جنگ را در غزل شاعران انقلاب، می‌توان در ماه‌های اولیه دفاع بخوبی مشاهده کرد. این شاعران، که بعضی از آنها خود مستقیماً در میدانهای نبرد حضور داشته‌اند، گاه در شعر خویش بی‌هیچ تکلف و تصنعی با صمیمیت و صداقت هرچه تمام، دعوتگر رزمندگان و نیز امت مسلمان به ادامه استقامت در مقابل دشمنان می‌شوند و بدین ترتیب می‌کوشند دین خود را نسبت به جامعه و مردم خود ادا کنند» (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۵ و ۱۴).

پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات مقاومت و دفاع مقدس و همچنین به طور اخص، غزل دفاع مقدس به صورت ضمنی کارهایی به این شرح صورت گرفته است:

کتاب‌ها

۱. آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، ضیاءالدین ترابی، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس. موضوع این کتاب بررسی ادبیات مقاومت در کشورهای عربی و اروپایی است. این کتاب تلاشی است در راستای تعریف ادبیات مقاومت و بررسی این نوع ادبیات در غرب آسیا، کشورهای عربی و کشورهای اروپایی.
۲. آوازهای نسل سرخ، نگاهی به شعر معاصر ایران، عبدالجبار کاکایی، نشر عروج. در این کتاب سعی شده است عناصر تشکیل دهنده شبکه ذهنی و زبانی شعر یک دهه پس از انقلاب اسلامی معرفی شود. بر این مبنا جستجوی مؤلف از سالهای پیش از انقلاب آغاز، و سعی شده است بررسی تقویمی شعر شاعران سالهای اخیر و ویژگیهای اصلی سبک شعر معاصر معرفی شود.
۳. بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، محمدرضا سنگری، سه جلد، نشر پالیزان. این کتاب به نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس در زمینه شعر شاعران این عرصه می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت آنان را بررسی می‌کند.

۴. بررسی اوزان شعری اشعار دفاع مقدس، علی مکارمی، انتشارات ترفند.
۵. بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، عبدالجبار کاکایی، نشر پالیزان.
۶. بیداری کلمات، جواد محقق، انتشارات «روایت فتح» با موضوع بررسی و تحلیل شعر مقاومت.
۷. چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، دکتر حسین بیات و دکتر سیدمحسن حسینی، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۸. سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی، محمدصادق بصیری، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۹. شعر امروز، ساعد باقری و محمدرضا محمدی‌نیکو، انتشارات انجمن شاعران ایران.
۱۰. صور خیال در شعر مقاومت، حسن قاسمی، نشر فرهنگ گستر.
۱۱. فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، محمدباقر نجف‌زاده، انتشارات کیهان.
۱۲. کوه شقایق، نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس، ضیاء‌الدین ترابی، مؤسسه فرهنگی سما.

مقالات

۱. بررسی کارکردهای زبان شاعران انقلاب اسلامی، عباس اطمینانی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲. تصویر آب در غزل انقلاب، غلامرضا رحمدل شرفشاده‌ی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. تصویرهای ادبی در شعر عاشورایی معاصر، محمود فضیلت، شیدا اسکندری، نشریه ادب پایداری، بهار ۹۱.
۴. شاعران در سپیده‌دمان انقلاب اسلامی (بررسی شعر معاصر در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲)، عیسی امن‌خانی، منا علی‌مددی، نشریه ادب پایداری، پاییز ۱۳۸۸.
۵. شعر پایداری در ادبیات انقلاب اسلامی، تقی اجیه، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۶. نگاهی اجمالی به ادبیات انقلاب اسلامی، فاطمه مدرسی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شعر دفاع مقدّس یکی از بخشهای ادبیات مقاومت معاصر و شاید مهمترین بخش آن است که تا حدودی توانسته است توجه شاعران متعدد کشورمان را به خود جلب کند. با وجود گذشت چندین سال از دوران دفاع مقدّس، ادبیات دفاع مقدّس هنوز ادامه دارد و در حوزه نثر و نظم آثار فاخری خلق کرده است. در حوزه نظم، شاعران اصفهانی نخست با حفظ روحیه دشمن‌ستیزی و با بیان حماسی، ذهن و تفکر جوانان را برای مقاومت آماده نگهداشته، و با نوشتن عواطف و یاد و خاطره شهیدان، جانبازان و رزمندگان با لحنی عاشقانه و غنایی، حس و حال جبهه‌های جنگ تحمیلی را در اذهان زنده نگهداشته‌اند؛ با وجود این هنوز مردم و نسل جوان این سرزمین با ادبیات دوران دفاع مقدّس آن‌چنانکه شایسته است، آشنا نیستند. از آنجا که هر تحول ارزشمندی از معرفی و نقد توانمندیها و کاستی‌ها بی‌نیاز نیست، غزل نیز به عنوان گوشه‌ای از تحولات حوزه شعر انقلاب در صورت شناسایی دقیقتر وجوه سبکی به همراه مصداقهای آن می‌تواند به برجستگی‌های قابل تعمیم و یا کاستی‌های خود پی ببرد و دیگران را نیز بدین مقصود رهنمون سازد.

شاعران غزلسرای انقلاب - بویژه اصفهانی - در جهت ارائه چهره ویژه‌ای از هنر خود مطمئناً از رویکردهای تمایزآفرین در حوزه کاری خود بهره گرفته‌اند تا نشان دهند در قلمرو اهداف انقلاب گام برمی‌دارند. از سوی دیگر شاعران دفاع مقدّس اصفهان از آن دسته شاعرانی هستند که برای رسیدن به آرمانهای همیشگی خود از هنر غزلسرایی بهره جسته‌اند و بی‌شک نقش بسیار زیادی در معرفی ارزشهای دفاع مقدّس به معاصران و متأخران خود داشته و خواهند داشت و از این‌روست که اهمیت بررسی و تحلیل چنین آثاری رخ می‌نماید و جنبه‌های گوناگون آن ارزشمند می‌گردد.

بحث

«از آنجا که کشور ما فرهنگ و اصول فکری و پایه‌های اعتقادی بسیار استواری دارد، حضور شاعران و اندیشمندان بزرگ در دوره‌های مختلف بر ارزش و اعتبار هنر شعر در آن می‌افزاید. شعر انقلاب اسلامی پاره‌ای از پیکر انقلاب اسلامی، فرزند و میوه آن است و باید متناسب با نشیب و فرازها و تحولات سریع و شتابناک جامعه، بررسی و مطالعه گردد» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

این پژوهش بخشی از ادبیات دفاع مقدّس را مورد تحقیق قرار می‌دهد و به شناخت بهتر شعر دفاع مقدّس اصفهان کمک می‌کند. با بررسی غزلیات این دوره گروهی از شاعران دفاع مقدّس معرفی می‌شوند. هم‌چنین امکان آشنایی با احساسات و روحیات سراینندگان غزلیات از روی مضامین شعری تفکیک‌شده فراهم می‌شود. این پژوهش به سبک‌شناسی گونه‌ای از شعر فارسی می‌پردازد و تفکر شیفتگان روش و منش شهیدان، جانبازان و رزمندگان دفاع مقدّس را ترویج می‌دهد.

تعریف شعر مقاومت

«شعر انقلاب نمونه بارز هنری متعهد و انقلابی است؛ هنر پاک و بی‌آلایش، هنری که فرزند زمان است. شاعر انقلاب حنجره ملت و زبان حال ملت است؛ از زبان آنهاست که سخن می‌گوید؛ زیرا به اعتبار و همت آنها بود که به آزادی دست یافت» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۸).

«عنصر اصلی ادبیات مقاومت همانا توده مردم است. شناخت ادبیات مقاومت بی‌وجود این عنصر ممکن نخواهد بود» (بهبودی، ۱۳۷۱: ۷۸).

شعر انقلاب در جهت آرمانها و هدفهای والا و سخنگوی احساسات و افکار و جهتگیریهای ملّتی است که شاعر از متن آن برخاسته و بدان وابسته است. «شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست؛ زبان ملّت و شرح حال امّت است؛ انعکاسی از روح بزرگ جامعه‌ای است که یکپارچه در جهت هدفها و آرمانهای الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است؛ شعر هدفدار و سازنده مردمی است (سبزواری، ۱۳۷۶: ۶).

شعر مقاومت، اندیشه انسان را به اصالت خود برگرداند و با تفکرات دینی و اندیشه‌های اصیل ظلم‌ستیزی آشنا کرد و انسان را علیه ستمگران زمان شوراند. شعر مقاومت، انسان را تشویق می‌کند که در برابر بیگانه و متجاوز تسلیم نشود و مقاومت کند.

فراوانی قالب غزل و غزل‌سرایان

«از فراوانی قالب غزل همین بس که از میان ده تن از شاعران تراز اول انقلاب - از لحاظ سابقه در شعر انقلاب - فقط یک نفر به قالب مثنوی و یک نفر به شعر نو التفات نشان داده‌اند. به علاوه شاعران جوان بیشتر در این قالب شعر سروده‌اند» (کافی، ۱۳۸۹: ۹۰). از جانب دیگر، غزل بهترین ساخت انتقال مفاهیم عرفانی، فلسفی و روحیه حماسی - ملی است؛ نه مثل رباعی و دوبیتی کوتاه است و نه مثل مثنوی، منظومه و قصیده دراز.

غزل نه تنها توانست در دوره معاصر هویتش را حفظ کند بلکه توانست به دنیاهای تازه‌تری هم که تا به حال کسی به آنها سری نزده بود دست یابد تا جایی که نمی‌توانیم دیگر این قالب را در حوزه کارهای امروزی آن در قالبهای کلاسیک قرار دهیم؛ به این معنی که اصطلاح کلاسیک در مورد غزلهای مدرن و حتی فرامدرن امروزی دیگر جوابگو نیست. جالب اینکه این قالب با پویایی تمام هر روز در حال حرکت و تغییر است و هر روز کارهای تازه‌تری در این قالب را می‌توان سراغ گرفت.

ویژگیهای غزل دفاع مقدس

می‌توان گفت غزل دفاع مقدس در دامان شعر انقلاب رشد و نمو یافت و لازمه بررسی غزل دفاع

مقدس، شناخت شعر انقلاب اسلامی است. منوچهر اکبری درباره شعر انقلاب می‌نویسد: «شاعر روزگار ما تا حد زیادی از قید کنایه‌پردازی و سمبلیسم و لفظ‌گرایی رها شده است» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۶). غزل دفاع مقدس نیز مانند شعر انقلاب دارای صراحت بیان و بی‌پیرایگی زبان است؛ شعری وزین و محبوب و در عین حال ستیهنده و طوفانی است؛ از لحاظ ساخت جوان و استوار است؛ مدح و ذمّش از گونه اشعار درباری نیست؛ لحن حماسی‌اش پویایی دارد و آمیزه‌ای است از عشق و عرفان.

هم‌چنین اقبال به غزل دفاع مقدس نیز مانند شعر انقلاب از جهت تأثیرپذیری شاعران از معارف و فرهنگ اسلام و نمود صبغه‌ها و جلوه‌های اسلامی و مذهبی در عناصر و واژگان شعری، در حدی است که باید گفت این دوره یکی از بارورترین و غنی‌ترین دوره‌های ادبی است (رک: اکبری، ۱۳۷۱: ۱۲).

در دهه شصت چندین جریان در غزل ایجاد می‌شود که هر کدام طیفی از شاعران را در پی خود می‌کشاند و تأثیراتی گذرا یا ژرف در جریان شعر این دوره بر جای می‌گذارد و عمدتاً ویژگی‌های غزل این دوره، حول محور درآمیختن عرفان و حماسه در غزل، رسوخ و سیطره فرهنگ شیعی، اعتراض و دلتنگی و دلواپسی نسبت به خویش است.

آشنایی با آثار و زندگینامه شاعران منتخب دفاع مقدس اصفهان

برای این تحقیق از بین شمار زیاد شاعران اصفهان، که در حوزه جنگ و دفاع مقدس شعر سروده‌اند، دو نفر از جمله سعید بیابانکی و سپیده کاشانی به عنوان جامعه آماری مورد تحقیق انتخاب شدند.

سپیده کاشانی

سرور اعظم باکوچی معروف به سپیده کاشانی در سال ۱۳۱۵ هجری در شهر کاشان چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۲۲ پس از خواهر و برادرهایش به مدرسه رفت و در یازده سالگی اولین شعر خود را سرود. پس از پایان تحصیلات متوسطه در منزل پدر به ادامه تحصیل پرداخت. ادامه تحصیل در دانشگاه، آرزویی بزرگ بود که دست یافتن به آن در آن سالها به دشواری ممکن بود. پس از مدتها انتظار و در پی ازدواج با یکی از اقوام خود به تهران آمد. پس از آن تا پایان عمر در تهران به سر برد. حاصل این وصلت سعید، سودابه و علی بود. تا سالها اداره خانه، سرپرستی از فرزندان و همسررداری، زمان فراغت را تنگ می‌کرد و مجالی برای سرودن شعر باقی نمی‌گذاشت. پس از آن همزمان با رشد و بالندگی بچه‌ها، اندک‌اندک زمان برای تکاپو در عرصه‌های فرهنگی فراهم شد. سپیده کاشانی از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با مطبوعات کشور آغاز کرد. پس از آن، بیشتر

مجله‌هایی که صفحات - پرباری داشتند - اشعار او را به چاپ رساندند.

وی اولین دفتر شعر خود را با نام *پروانه‌های شب* در سال ۱۳۵۲ به چاپ رساند. در یکی از جلسات کتاب «پروانه‌های شب» و محتوای آن، موضوع گفتگو قرار گرفت و چند شعر آن نیز خوانده شد. پس از آن چند هفته‌نامه، که برای همکاری شایسته تشخیص داده شده بودند، سعی کردند تا در هر شماره شعر تازه‌ای از این شاعر چاپ کنند.

از صاحب‌اثر خواسته شد تا دفتر دوم شعرهایش را نیز آماده کند؛ اما او درنگ کرد. انتظار و توقع روزافزون علاقه‌مندان، جایی برای سهل‌انگاری و پسرفت باقی نمی‌گذاشت. در پاسخ به مشتاقاتی که تکرار چاپ «پروانه‌های شب» را از او می‌خواستند پاسخ می‌داد: «من شعر دیروز خود را قبول ندارم از چاپ این کتاب که یکسال گذشته است!» شنیدن این جواب از شاعری که در زمانی کوتاه نخستین اثرش نایاب شده بود، حیرت‌انگیز به نظر می‌رسید. سپیده کاشانی در همان روزها و زمانی که هجوم دشمن به خاک وطن و آغاز جنگ تحمیلی نزدیک بود در گفت‌وگویی که با مجله سروش انجام داد، گفت: «امروز موقع آن رسیده که دیگر شعر را به‌عنوان یک سلاح تیز و برنده جدی بگیریم ... شعر امروز ما می‌تواند با مروری در آیات قرآن، انقلابی به وجود آورد و از این دریای یگانه گوهرها برگیرد.»

«شعر سپیده، ساده و با نزاکتی خاص در واژگان تشخص می‌یابد و از عنصر عاطفه بیشتر سود می‌برد» (کافی، ۱۳۹۳: ۷۲۷).

آثار وی عبارت است از:

۱. پروانه‌های شب که شامل دو قسمت است و سال ۱۳۵۲ در ۱۶۰ صفحه منتشر شده است. قسمت یکم، ۲۳ غزل به سبک کلاسیک است و قسمت دوم در برگیرنده ۲۸ سروده به شیوه نیمایی است. غزلیات او در وزنهای مختلف و مضمونهای گوناگون است و درونمایه‌های اصلی آنها، حسرت، امید به فردا و آینده، شب، سکوت است. البته زیباترین و ادبی‌ترین سروده‌های سپیده، همین غزلیات وی است.

۲. اشعار نیمایی وی نیز بیشتر بیانگر روزگار خفقان، سکوت و ظلمت دوران ستمشاهی است که باز هم امید به آینده را به مخاطب القا می‌کند.

۳. هزار دامن گل سرخ دربرگیرنده گزیده‌ای از شعر جنگ است که حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آن را در سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است. این مجموعه شعر را می‌توان آغاز شعر جنگ تحمیلی دانست که در قالب‌های غزل، قصیده، رباعی و دوبیتی سروده شده است. قالب غالب آن مثنوی است و در پایان کتاب نیز، سروده‌ای در وصف خرمشهر به سبک نیمایی آمده است. بیشتر سروده‌هایی که از اشعار وی اوایل انقلاب در صدا سیما پخش می‌شد در این مجموعه درج شده است.

۴. سخن آشنا دربرگیرنده غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، چهارپاره، رباعی، دوبیتی، سروده‌ها و شعر آزاد نیمایی اوست. معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آن را در ۲۴۵ صفحه گردآوری و به سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است. البته همه سروده‌های شاعر را دربر نمی‌گیرد.

۵. آنان که بقا را در بلا دیدند، حکایتی منشور است که دربرگیرنده خاطرات و یادداشتهای سفر به جنوب و دیدار با رزمندگان است و حوزه هنری آن را در ۱۲۴ صفحه به سال ۱۳۷۵ منتشر کرده است.

سعید بیابانکی

سعید بیابانکی متولد سال ۱۳۴۷ در اصفهان است. او تحصیلات خود را در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه اصفهان گذرانده و ساکن اصفهان است. بیابانکی شاعری را از سال ۱۳۶۲ در ۱۵ سالگی به تشویق اصغر حاج‌حیدری - شاعر اهل خمینی‌شهر - آغاز کرد.

وی از سال ۱۳۶۴ به صورت جدی به شعر پرداخته و با نشریاتی از جمله جام‌جم، همشهری و فصلنامه شعر حوزه هنری همکاری دارد.

شاعرانی مانند سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، حسین منزوی، محمد بهمنی، قیصر امین‌پور و سهراب سپهری در شعر او تأثیرگذار بوده‌اند.

بیابانکی بیشتر شعر کلاسیک بویژه غزل، رباعی و ... سروده و کمتر به شعر سپید پرداخته است. ترانه‌های او نیز اجرا و پخش شده است و تسلط خوبی هم در شعر طنز دارد به طوری که مسئولیت انجمن‌های ماهانه شعر طنز در حوزه هنری تهران بر عهده اوست. او خود را فردی پرنرژی، شاد و شاعری حاضر جواب می‌داند.

«رویکرد وی به سرودن شعر به سال ۱۳۶۳ باز می‌گردد. در آن زمان بیابانکی در یک مسابقه شعر، رتبه اول را کسب کرد. او با تشویق «علی‌اصغر حاج‌حیدری»، که از شاعران خمینی‌شهر است به صورت جدی به سرودن پرداخت» (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

اولین کتاب شعر او با نام *ردپایی بر برف* در سال ۶۹ توسط حوزه هنری منتشر شد؛ ولی شهرت بیابانکی به‌عنوان شاعری صاحب سبک با زبانی محکم در سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب *نیمی از خورشید اتفاق افتاد*. این کتاب، بیابانکی را به‌عنوان شاعری با زبان خاص و متفاوت به شعر ایران معرفی کرد.

مهندسی کلمات، برگ برنده بیابانکی است؛ اما نمی‌توان حفره‌هایی را که در شعر وی به‌وجود آورده است نادیده گرفت که مهمترین آنها معادله‌ای شدن شعرهاست که تقریباً در تمام آثار او جاری است و مخاطب حرفه‌ای از خواندن هر واژه و سطر، ماجرای سطر بعد را حدس خواهد زد و

این مسئله عموماً در لباس بازبهای زبانی یا تقابل و تضاد در واژگان رخ داده که خود مانند اعتیادی مزمّن در ادبیات کلاسیک ما ریشه دوانده است و عموم شاعران ما به آن مبتلا هستند.

«شعر سعید، لطیف و با وسواس در انتخاب واژگان شناخته می‌شود؛ نیز طبعی توانا و نکته سنج در شعر طنز دارد» (کافی، ۱۳۹۳: ۶۷۲).

بیابانکی در قالبهای سنتی و سپید شعرهای زیادی دارد؛ ولی در قالب غزل و چارپاره آثار قابل توجه‌تری خلق کرده است. وی در زمینه شعرهای عاشقانه آیینی و اجتماعی و طنز آثار مشهوری دارد که در حافظه خیلی‌ها جای گرفته است.

آثار او عبارت است از: سنگچین، باغ دوردست، ضدحالات، غزل هشتاد و شش، نامه‌های کوفی، شعر رضوی، سجده بر محراب، تن‌پوش بی‌آستین، نیایش‌نامه، هشتادوشش شعر رضوی، جامه‌دران، چقدر پنجره، سکتۀ ملیح، لبخندهای مستند، بیت بازی، هی شعر تر انگیزد و نه ترنجی نه اناری.

تحلیل سبک و نمونه‌های سبکی

برای درک سبک متن باید مراحل طی چون «درک تمامی متن به جای آوردن عناصر سبکی، استنتاج ویژگیهای سبکی و ترکیب نتایج تحلیل» را پشت‌سر گذاشت» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۵۸). پیش‌نیاز هرگونه تحلیل سبکی، درک تمامی متن است. درک محتوا و مختصات فکری متن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در تعیین سبک هر اثر، عناصری که بسامد زیادی دارد در مقایسه با دیگر عناصر، که تنها نقش تکمیلی دارد، حائز اهمیت بیشتری است. «برای بررسی سبک هر اثر، ساده‌ترین و عملی‌ترین راه، بررسی اثر از سه دیدگاه محتوا، ادبیات و زبان است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

سپیده کاشانی

«شعر سپیده، همچون اغلب شاعران انقلاب، شعر زمان است و شعر شعور، شهادت، حماسه و عرفان. بنابراین سپیده شاعر انقلابی است و چنین شاعری از دیدگاه خود، شاعر را چنین تعریف می‌کند: شاعر کسی است از که وصف معشوق دفتر سیاه نکند، بلکه باید خود را از اجزای جامعه بداند و نباید آن‌قدر از واقعیت دور بیفتد که درک جامعه و مردم برایش ممکن نباشد و تصورات و تخیلات نباید آن‌قدر در شعر زیاد باشد که خود شاعر هم فریب را آن بخورد و گرفتار آن شود» (یادمان سپیده، ۱۳۷۲: ۱۳) از این‌رو ویژگیهای سبکی این شاعر به صورت ذیل بررسی می‌شود:

الف) فراخوان انقلاب و جنگ

سپیده تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی و دینی خود در کتاب *پروانه‌های شب*، گاهی با قالب نو و گاهی با قالب سنتی به هنجارشکنی اجتماعی توجه می‌کند و به روشنگری می‌پردازد. پس از

پیروزی انقلاب نیز با سرودن اشعار حماسی در تهییج و ترغیب مردم می‌کوشد.

زندانی زندان غم برخیز ای مانده در بند ستم برخیز

(سپیده کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۵)

پر واضح است که در این بیت؛ کاشانی کسانی را که اسیر غم نابسامانی جامعه و مبتلای درد حمله به خاک خود هستند به جهاد و ایستادگی برابر ظلم دعوت می‌کند.

ب) الهام از قیام عاشورا و مقایسه با ایثار رزمندگان

سپیده از اندیشه‌ها و پیامهای سالار شهیدان و یاران وفادارش بسیار سخن گفته و الهام گرفته و اصولاً در بیشتر موارد جبهه و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با قیام دشت نینوا مقایسه کرده و همانند دانسته است.

صدای کیست از که دشت بیکرانه می‌آید بسان شعله آتش صور زبانه می‌آید
صدای طنین خوش رضا بقضائک صدا صدای حسین است و جاودانه می‌آید
ز نینوای شهیدان کربلای حسینی وزیده رایحه عشق و جاودانه می‌آید

(همان، ۷۵)

زینب من ای رسول ظهر خون آه ای بانوی دشت لاله گون

(همان، ۱۵۳)

پ) آموزه‌های دینی، ارزشی و اخلاقی

زندگی سپیده، آثار و اندیشه‌هایش با مفاهیم و مضمونهای دینی، قرآنی و انسانی آمیخته شده است. وی در سرتاسر آثارش بجز جهاد و شهادت و ایثار و پایداری به مضمونهای دینی همچون دعا، عهد و پیمان، وفاداری، جهاد و شهادت، دلجویی از یتیمان، امید به بخشایش الهی، مبارزه با نژادپرستی و فاصله طبقاتی و ... نیز توجه می‌کند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود. در برخی موارد این مفاهیم را در قالب اشعار حماسی برای ترغیب رزمندگان به جنگ و پایداری در جنگ به کار برده است.

براین گذر که شگرف، جای پای تو دیدم شهید عشق شدی آن راه یگانه گرفتی
تو را دعای سفر خوانده بود پیر دلاور که هفت وادی اشراق عاشقانه گرفتی
توئی ستاره صبح و من آن سپیده فجرم که زلال نگاهم چو نور لانه گرفتی

(همان، ۱۶)

فریاد کن مؤذن کالله اکبر ما ویرانگر نظام ننگین خصم دون است

(همان، ۱۳۸۹: ۲۹)

همیشه عشق را شرر از نفس دعا بزن موج زنان برو، برو ببر به سر قرار را

- چو نماز سوی دو حق دست التجا برم
نشسته‌ای برابرم، شکسته‌ای حصار را
(همان، ۱۳۷۳: ۲۹)
- قمری به بانگ عجلوا هشدار قُم فأنذر دهد
از کوچه باغ سرخ خون، عاشق به منزل می‌رود
(همان، ۱۳۸۹: ۶۳)
- کاشانی گاه، ضمنی و گاه آشکارا به مسئله حجاب و ضرورت آن در جامعه اسلامی
می‌پردازد و حجاب را به‌عنوان ارزش دینی و اجتماعی برمی‌شمرد.
تو از کدام تباری زن زمانه ما
که گشت همت و ایثار تو فسانه ما زدی
درون سنگر ایمان تو با سلاح حجاب
صلای رهایی ز شب، یگانه ما
کفن نبود حجاب تو ای نجیب صبور
که پرده‌دار عفافی تو در زمانه ما
(همان، ۲۵)
- تو با سلاح حجابت در سنگر دین شکفتی
عطر دل‌انگیز توحید، برخاست از سنگر تو
(همان، ۲۷۵)

ت) برانگیختن رزمندگان به جنگ

سروده‌ها و اشعار سپیده کاشانی در تهییج و ارتقای روحیه حماسی مردم نقش مهمی داشت. وی با تکیه بر آیات و روایات، رزمندگان را به مبارزه علیه دشمن فرا می‌خواند.

هیمة عشق را شرر از نفس دعا بزن
موج زنان برو برو، ببر به سر، قرار را
نشسته خصم خاروش به ساقه نگاه تو
به حربه مقاومت، بکن ز ریشه خار را
(همان، ۲۱)

از ویژگی‌های جدانشدنی شعر شاعران دفاع مقدس، تحریک رزمندگان به جنگ و دفاع در برابر مهاجمان است که کاشانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ابیات زیادی در این زمینه از خود به جا گذاشته است.

ث - وفاداری و پرهیز از پیمان شکنی

سپیده در اشعارش ضمن ستایش و توصیف حضرت علی (ع) - مظهر وفاداری و پیمان‌داری در بسیاری از غزلهایش، روزگارش را دوران بدعهدی و پیمان‌شکنی می‌داند و بویژه به منافقان می‌تازد.

سپیده، رشته‌ها سست است و پیمانها نمی‌پاید
چه سودایی است کز اندیشه خام تو می‌روید
(همان، ۱۳۵۹: ۱۰)

کاشانی از سستی پیمان و بی‌عهدیها گله دارد و این مفهوم را در این بیت و اشعار دیگر بیان می‌کند. شکایت از این پیمان‌شکنی معمولاً به این دلیل است که دوست و همدم شهید رفته و

پرکشیده و او را با خود نبرده است.

با پری از محبت سیر عرش خدا کن

آی انسان تو را بس از وفا کوله باری

(همان، ۱۳۷۳: ۵۷)

ج) شهید و شهادت

سپیده، نه تنها به همه شهیدان اسلام و قرآن اعتقاد تمام دارد، بلکه حاضر است غبار چکمه شهیدان را به چشم کشد و ببوسد.

همتشان طارم انجم گرفت

تربتشان، خاک تیمم گرفت

ای که گذر داری از آن جا بگو

کس نزند گام در آن بی‌وضو

آه مگر خاک تو خون رنگ نیست

مرهم هر خسته دلتنگ نیست

ساحت این شهر مصلاهی ماست

خلوت هر عارف و بیت خداست

(همان، ۵۵)

مسلمانم و آرمانم شهادت

تجلی هستیست جان کندن من

(همان، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

سحر، شکفتی و بر اوج نور لانه گرفتی

غروب، شعله کشان در شفق زبانه گرفتی

چنان غریو کشیدی میان بستر گل‌ها

که سکر خواب خوش از عطر رازیانه گرفتی

(همان، ۲۷۲)

وی درباره شهادت شید مفتاح این‌گونه می‌گوید:

نگر که منجذب به جذبه‌های سبحانی

گشوده دست نیایش سوی یگانه هنوز

به لب نشانده گل لاله الاالله

ستاده گرم مناجات عاشقانه هنوز

ز نید نقش عبث، دشمنان دین بر هیچ

به کار فتنه چرایید خودسرانه هنوز؟

قسم به نور صداقت، قسم به صبح یقین

دلیل راه نجات است صادقانه هنوز

مفتاح است به محراب پر ز راز قبا

بشیر سوره فتح است آن یگانه هنوز

(همان، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

چ) دعوت به صلح و عدل

سپیده کاشانی هر کجا از گذشته، امروز و آینده و انتظار بشریت سخن می‌گوید به قسط و عدالت نیز می‌پردازد و آرزو می‌کند محبت و عدالت سرتاسر گیتی را فراگیرد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شعر کاشانی نمودی خاص دارد؛ اما شاعر با توجه به مصایب و ناگواریهای ناشی از جنگ، آرزوی صلح را نیز در شعر خود بیان می‌کند.

نهال عشق گل‌آذین بود اگر ز عدل ثمری داشت جهان ز عدل پر آوا بود اگر حقوق بشری داشت

(همان، ۱۳۷۳: ۱۳۲)

آن گاه که بشکوفد آن گل بر شاخسار عدلت
از طرف هر شاخساری بانگ هزار بیاید
(همان، ۴۷)

از من ای دوست، زین خاک بر پیامی به عالم
ای بشر، گل بیفشان! گل به جای گلوله
با پری از محبت، سیر عرش خدا کن
دی گذشته‌ست و فردا روز قسط و عدالت
گو نهال محبت می‌دهد طرفه باری
دوستی هدیه آور از ره رستگاری
آی انسان، تو را بس از وفا کوله باری
ای فرو رفته در خویش! بهر گفتن چه داری؟
(همان، ۱۳۸۹: ۲۷۸)

ح (مدح و منقبت بزرگان، الگویی برای رزمندگان

۱. مدح شهیدان

وی بارها و در جای جای غزلیاتش به مدح و منقبت شهیدان می‌پردازد.

در نینوای ایران کشتند عاشقان را
مردان بی سر ما سامان شدند دین را
پاشی خون پاکان بر آسمان میهن
ما روزه‌دار عشقیم، افطارمان ز خون است
آوای این عزیزان از مرزها برون است
آنجا نوشت یاران، اسلام رهنمون است
(همان، ۲۹)

عندلیب عشق از ویرانه سنگر گذشت
ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق
با وضوی خون به باغ اختران سجاده برد
آب شد تطهیر از خون گلوی عاشقان
بال بر هم زد ز شوق از سنگر آخر گذشت
در سماع سرخ سربازان حق از سر گذشت
آگه از افسانه دنیای افسونگر گذشت
وانگه از دشت شبیخون خورده خاور گذشت
(همان، ۴۰)

۲. مدح پیامبر(ص)

سپیده کاشانی در شعر «خورشید حجاز» کاملاً به مدح و نعت حضرت رسول (ص) می‌پردازد که به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌شود:

ای نور یقین سلام بر تو
برداشت شکاف طاق کسری
ای محور دین سلام بر تو
شد هیبت تو تا به اوج خضرا
(همان، ۴۸)

۳. مدح حضرت علی (ع)

گاهی مولاعلی (ع) به صورت جداگانه و گاهی برای حمایت و تشویق رزمندگان می‌ستاید:

هست در این جبهه علمدار تو
میر نجف، حیدر کرّار تو
(همان، ۱۱۶)

۴. مدح ائمه و حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س)

کاشانی اشعار فراوانی در توصیف شخصیت‌های دینی بویژه حضرت زهرا (س)، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و خاندانش و امام زمان (عج) سروده است. این مسئله نشانه ارادت او به ائمه معصومین (ع) و هم‌چنین حضرت رسول (ص) است.

قفل زنجیر حقارت باز کرد
بر زنان آزادگی آواز کرد

(همان، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

فروغ دیده‌ما، مهر جاودانه‌ی شامی
خجسته باد قدوم تو، ای که بدر تمامی

(همان، ۲۳۷)

ای اختر صحرای بلا یا زینب
سوگند به خون شهدا یا زینب
ای شمع شبستان ولا یا زینب
دریاب از که کف نرود این صبر

(همان، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

۵. حضرت مهدی (عج)

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، سپیده همیشه و پیوسته در آرزوی ظهور منجی و امید به عدالت و پیروزی انقلاب حضرت مهدی (عج) است.

در گریبانش سحر ز آن سوی شبها خواهد آمد
روشنایی بخش دل‌های صف چشم انتظاران
آن فروغ عدل آن قدیس تنها خواهد آمد
بیستون عشق از نورش مصفا خواهد آمد

(همان، ۷۹)

خ (استفاده از داستانهای پیامبران الهی (ع)

از آنجا که کاشانی، شاعری مذهبی است، اشاره به داستان پیامبران الهی (ع) و زندگی آنان در شعر او جایگاهی خاص دارد. حضرت سلیمان (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ایوب (ع) و حضرت آدم (ع) در شعر کاشانی نمود یافته است.

ای در خبر مسیح و موسی
ای حجت کعبه و کلیسا

(همان، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

قیام موسی و عیسی، قیام ابراهیم
نهان به نهضت پیر خمین و یاران بود

(همان، ۲۵۱)

سعید بیابانکی

استاد خسرو احتشامی از شاعران بزرگ اصفهانی در مقدمه کتاب «نه ترنجی نه اناری» درباره بیابانکی این‌گونه می‌گوید: «غزل نو شاعرانی را در دامان پرورده که امید ماندگاری این نوع ادبیاتند. سعید بیابانکی یکی از همین روشنی‌های شهر غزل است که پایداری را جار می‌زند. آنچه از کوزه غزل سعید می‌تراود، احساس و عواطفی است که با شعر معاصر ایرانی از یک آب‌شخور نصیب برده

است. غزل بیابانکی مثل بهترین‌های شعر امروز، آگاهانه، ابتکاری و صمیمانه است؛ پیچیده در تفکری نسبتاً ژرف و اندیشه‌ای گسترش یافته که در نگاه امروزین ادبیات ریشه دارد. نگاهی که تا اعماق اشیا رسوخ می‌کند و می‌تواند چنانکه گوته می‌اندیشید و هگل نیز تأیید می‌کرد، اهمیت صورت را نشان دهد و کیفیات خاص مواد را به‌گونه هنر آشکار سازد.

بیابانکی برای تثبیت خویشتن در پهنه ادبیات معاصر، نیازمند چنگ انداختن به دامان این شاعر یا آن گوینده نیست؛ چرا که شعر او شاهد صادقی است که گواهی بودن و سرودن را در آستین دارد» (بیابانکی، ۱۳۸۲: ۳).

الف (دعوت به بیداری و فراخوان انقلاب و جنگ

گواه تشنگی دشتهای عریان است
گلی که گوش به زنگ نماز باران است
نشسته است به سوگ کدام سرو شهید
شقایقی که در این کوه سر به دامان است؟
(بیابانکی، ۱۳۹۴: ۴۱)

بیابانکی نیز همچون کاشانی در دعوت به بیداری و فراخوان مردم و رزمندگان اشعار و ابیات متعددی دارد:

قطار عمر، چه سنگین از این پل غفلت
تو خواب بودی و روزی هزار بار گذشت
(همان، ۱۳۹۲: ۶۹)

حالی کجاست دست کریم تو
تا یاد نیمه رمضان کنم
ای روضه دوازدهم بیا
تا چشمه‌ها ز دیده روان کنم
(همان، ۱۳۹۴: ۷۶)

به انتظار نشستن در این زمانه یأس
برای منتظران، چاره نیست؛ ناچاری ست
(همان، ۱۳۹۲: ۹)

جواب منتظران را بگو چه خواهی داد؟
همین بس است که چشم انتظار بگذاری؟
(همان، ۱۴)

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من
کجایی؟ ای گل شب‌بوی بی‌نشانی من
غزل برای تو سر می‌برم، عزیزترین
اگر شبانه بیایی به میهمانی من
چنین که بوی تنت در رواق‌ها جاری ست
چگونه گل نکند بغض جمکرانی من؟
(همان، ۸۵)

پ (پیوند حماسه و عرفان

به یادت سالها ترکیب‌بند محتشم خواندم
صفرهای فراوانی، محرم‌های بسیاری
(همان، ۱۳۹۴: ۵۱)

ذی‌الحجه‌اش درست به پایان نمی‌رسد
تقویم اگر نداشته باشد محرمی
(همان، ۸۱)

بار بر بندید آهنگ سفر دارد حسین
 نیت رفتن در آغوش خطر دارد حسین
 (همان، ۸۲)

آرزوی آب هم اینجا عطش نوشیدن است
 خواهد آمد العطش‌ها را جواب از نيزه‌ها
 (همان، ۱۳۹۲: ۹۶)

ت (آموزه‌های دینی، ارزشی و اخلاقی
 ستاره می‌چکد از دست روشنت پیداست

یادش به خیر، دست دعایی که داشتم
 که خاک پای تو مهر نماز خواهد شد
 (همان، ۱۳۹۴: ۳۱)

تسبیح و جانماز و خدایی که داشتم
 (همان، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

یکی از ویژگی‌های بارز شعر بیابانکی استفاده از آموزه‌های دینی است. لغات و ترکیبات دینی در شعر او به فراوانی یافت می‌شود.

ث (ستایش آزادگان

به سوی سرو، زبان طلب دراز مکن
 نخوانده‌ای مگر آزادگان تهیدستاند؟
 (همان، ۱۳۹۴: ۴۸)

تو را می‌شناسم، تو را، ای غریبه
 چراغان آینه شد کوچه ما
 (همان، ۱۳۹۲: ۸۹)

ج (وفاداری و پرهیز از پیمان شکنی

اندوه و درد از اینکه خدانشناسها
 یک عده خویش را پس پشت کتابها
 وارونه شد قواعد دنیا، مترسکان
 ما را چقدر مفت به شیطان فروختند
 یک عده هم کنار خیابان فروختند
 جالیز را به مزرعه داران فروختند
 (همان، ۲۹)

از مرمر حسرت تراشیدند ما را
 ما خشت‌هایی خام بر دیوار بودیم
 بدمست‌شان کردیم و چون ته‌مانده جام
 عمری نشستند و پرستیدند ما را
 نادوستان، آینه نامیدند ما را
 بر سینۀ دیوار پاشیدند ما را
 (همان، ۵۱)

چ (شهید و شهادت

که بود؟ سبز و رها در دهات بالا دست
 که بود؟ حادثه‌ای مثل کوه‌ها بی‌یار
 که بود؟ کوله و کشکولی از خدا سرشار
 که آسمان و زمین را به هم گره می‌زد
 که بود؟ خاطره‌ای مثل نخلها بی‌دست
 صدای گمشده‌ای در نهایی بن‌بست

چه کاشت؟ داغ بزرگی که عاشقانه شکفت
 چه شد؟ ترنج درشتی در آسمانها شد
 از او چه مانده به جا؟ خنده‌ای نشسته به قاب
 چه ببرها که در این کوه ناپدید شدند

چه داشت؟ بغض غریبی که شاعرانه شکست
 شبی به دفتر نقاشی شفق پیوست
 پلاک آبی یک نام، کوچهای بن بست
 (همان، ۱۳۸۲: ۳۷)

چه سروها که در آغوش من شهید شدند
 (همان، ۳۳)

ای خاطره آینه پیوند
 و ای پیچک پیچای صدایت
 من منتظرت این سوی کارون
 با یاد تو بر تاقچه مانده‌ست

آمیزه‌ای از گریه و لبخند
 پیچیده بر اندام دماوند
 تو خاطره‌ات آن سوی ارون
 یک شیشه پر از بوی خداوند

(همان، ۵۹)

ح) ستایش میهن

میهنم ای موطن مردان نامیر
 سربلند از خوان آتش سرب‌آوردی

با توام ای سرزمین راست قامت‌ها
 خم به ابرویت نیامد از ملامت‌ها

(همان، ۱۳۹۴: ۴۵)

میهنم در قحط سال ناسپاسی‌ها
 تا بروید دست‌های دیگری از من

من تو را چون عطر باران دوست خواهم داشت
 دست‌های عاشقم را در تو خواهم کاشت

(همان، ۴۶)

خ) مدح و منقبت

۱. شهیدان

دور تا دور حوض خانه ما
 پوک‌های گل‌وله را آری

پوک‌های گل‌وله گل داده‌ست
 پدر از آسمان فرستاده‌ست

(همان، ۱۳۹۴: ۱۹)

میان خاک سر از آسمان درآوردیم
 وجب وجب تن این خاک مرده را کندیم
 چقدر چفیه و پوتین و مهر و انگشتر

چقدر قمری بی‌آشیان درآوردیم
 چقدر خاطره نیمه جان درآوردیم
 چقدر آینه و شمع‌دان درآوردیم

(همان، ۱۳۹۲: ۲۵)

۲. امامان بویژه حضرت علی (ع):

چاه تنها محرم اندوه پنهان علی

ماه تنها شاهد چشمان گریان علی

(همان، ۵۷)

۳. حضرت زهرا (س):

چکیده رخسار مصطفی زهراست

عصارهٔ نفات خوش خدا زهراست

(همان، ۱۳۹۴: ۸۷)

۴. حضرت زینب (س):

کسی که از همه زخم تیغ دیده تویی

کسی که از همه زخم زبان شنیده منم

خوشا به حال تو، ای سرو رسته بر سر نی

نگاه کن؛ منم این بید قد خمیده منم

(همان، ۱۳۹۲: ۸۰)

۵. امام رضا (ع):

سلام ای طیب طیبیان سلام

سلام ای غریب غریبان سلام

(همان، ۱۳۹۴: ۷۸)

تو را دیدم و روشنایی شدم

علی ابن موسی الرضایی شدم

(همان، ۷۹)

نتیجه‌گیری

در سطح فکری، شاعران غزلسرای دفاع مقدس اصفهان، برونگرا، طالب شادی، عشق و مذهب هستند. تفکر ایشان مکتبی است و تبلیغ مکتب تشیع، تعهد به شمار می‌آید. تلقی از مرگ، زندگی جاوید در آخرت است و آزادی را در آزاداندیشی و وارستگی می‌دانند و همگی در آرزوی رسیدن به مقام شهیدانند. ایشان از شاعران متعهد و مسئول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هستند که عواملی همچون خانواده مذهبی و انس با قرآن کریم و متون دینی و تربیت اسلامی و پایبندی جدی به اصول و احکام شرعی و عبادی در زندگی بر شعر و اندیشهٔ آنها تأثیر زیادی گذاشته است. بسیاری از مسائل و مشکلات و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان از جمله انقلاب و جنگ و شهیدان در اشعار غزلسرایان دفاع مقدس اصفهان منعکس شده است. این شاعران به پیامبر اکرم (ص)، امام‌علی (ع)، حضرت‌زهرا (س)، امام‌حسین (ع) و دیگر امامان شیعی توجه و علاقهٔ خاصی دارند و در سرتاسر اشعارشان به مدح و منقبت فضایل آنان پرداخته‌اند. از سوی دیگر هر دو شاعر با احساسی عمیق به وطن و سرزمین مادری خود، که زیر بار هجوم دشمن در حال ویران شدن است، عشق می‌ورزند. تصاویری که هر دو شاعر از وطن ارائه می‌کنند، نشانگر عمق مهر آن دو به میهن است. هم‌چنین این دو شاعر اصفهانی سعی می‌کنند روح مقاومت را نزد رزمندگان و مبارزان زنده نگه دارند. آنان به رزمندگان این نوید را می‌دهند که در هر صورت - چه موفق شوند و چه شکست بخورند و به درجهٔ رفیع شهادت نائل شوند - پیروزی نهایی از آن آنهاست. این عقیده

را از منبع مشترکی، که فرهنگ هر دو شاعر از آن وام گرفته و آن هم فرهنگ جهاد در اسلام است، می‌توان منبعث دانست. به‌رغم این وجوه اشتراک، شعر این دو شاعر مقاومت به‌طور کلی چندین تفاوت اساسی نیز با هم دارد. روح امیدواری و آینده‌ای روشن همراه با عزت و سربلندی در اشعار سپید کاشانی در حوزه شعر مقاومت پررنگتر است بویژه در اشعاری که به ستایش شهیدان و رزمندگان می‌پردازد.

در سطح زبانی نیز هر دو شاعر شعری پخته دارند که در آثار خود از واژگان نظامی و دینی و هم‌چنین ترکیبات انقلابی و جنگی به فراوانی استفاده کرده‌اند. این شاعران در سطح ادبی از آرایه‌ها و صنایع متعدد ادبی بهره برده‌اند و هم‌چنین از آثار و اشعار شاعران پیشین - چه تلمیحاً و چه تضمیناً - اقتباس می‌کنند.

انتظار مهدی موعود (عج) و امید به ظهور منجی عالم بشریت یکی از بارزترین جنبه‌های اعتقادی شعرای اصفهانی است. هم‌چنین قیام کربلا و حماسه حسینی بر اندیشه‌های شاعران این مرز و بوم تأثیر زیادی گذاشته است. غزل دفاع مقدس اصفهان، ساده و روان و از تعقیدهای لفظی و معنوی به‌دور است و نمایانگر ذوق، اشتیاق و احترام شاعران این خطه از سرزمینمان به دفاع مقدس و ارزشهای آن است.

منابع

الف) کتابها

۱. اکبری، منوچهر (۱۳۷۱). **نگاهی به انقلاب نور**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
۲. اکبری، منوچهر. (۱۳۷۱). **نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی**. ج ۱. تهران: سمت.
۳. امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳). **در کوچه آفتاب**. تهران: واحد انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۸۰). **سبک‌شناسی**. تهران: نشر امیرکبیر.
۵. بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۱). **ادبیات پایداری لازمه هر ملت**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
۶. بیابانکی، سعید (۱۳۸۲). **نه ترنجی نه اناری**. اصفهان: انتشارات نقش مانا.
۷. بیابانکی، سعید (۱۳۹۲). **چقدر پنجره**. تهران: انتشارات شهرستان ادب.
۸. بیابانکی، سعید (۱۳۹۴). **یلدا**. تهران: انتشارات سوره مهر.
۹. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲). **حماسه‌های همیشه**. ج اول تا سوم. تهران: نشر فرهنگ گستر.
۱۰. حسینی، حسن (۱۳۶۳). **هم‌صدا با حلق اسماعیل**. تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۱. سزواری، حمید (۱۳۷۶). **سرود درد**. تهران: انتشارات کیهان.

۱۲. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. چ اول تا سوم. تهران: انتشارات پالیزبان.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). کلیات سبک‌شناسی. چ دوم. تهران: نشر مینا.
۱۴. عبادیان، محمود (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات. چ دوم. تهران: انتشارات آوای نور.
۱۵. فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳). ادبیات کهن و معاصر ایران. چ دوم. تهران: نشر امیرکبیر.
۱۶. فضل، صلاح (۲۰۰۸). علم الاسلوب. دارالمکتب مصر: لبنان.
۱۷. کاشانی، سپیده (۱۳۵۹). پروانه‌های شب. تهران: نشر پدیده.
۱۸. کاشانی، سپیده (۱۳۷۳). سخن آشنا. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۱۹. کاشانی، سپیده (۱۳۷۵). هزار دامن گل سرخ. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. کاشانی، سپیده (۱۳۸۹). مجموعه آثار سپیده کاشانی. تهران: انجمن قلم ایران.
۲۱. کافی، غلامرضا (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
۲۲. کافی، غلامرضا (۱۳۹۳). ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. چ اول و دوم. تهران: مجتمع فرهنگ عاشورایی.
۲۳. وردانک، پیتر (۱۳۸۹). مبانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
۲۴. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.
۲۵. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). معانی و بیان. چ سوم. تهران: نشر هما.
- ب) مقاله‌ها**
۲۶. حسینی، سیدحسین (۱۳۶۲). شعر انقلاب. جنگ پنجم سوره، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. تهران.
۲۷. فراست، قاسمعلی (۱۳۷۱). فرهنگ جنگ را دریابیم. کیهان فرهنگی. س نهم، ش نهم. آذرماه.
۲۸. کافی، غلامرضا (۱۳۹۱). ویژگیهای سبکی منظومه‌های دفاع مقدس. نشریه ادبیات پایداری. س ۳. ش ۶: ۳۶۳-۳۸۳.